

دراسة مقارنة للمقومات الشرعية العمليات الاستشهادية بين آراء أهل السنة والسلفية التكفيرية

رسول جكيني*

مهدي فرمانيان**

[تاريخ الاستلام ١٣٩٩/٠٣/٢٢ تاريخ القبول ١٤٠٠/٠٧/٢٠ هـ ش]

ملخص القول

العمليات الاستشهادية هي إحدى المفاهيم التي دخلت أدب الحروب الإسلامية في القرون الأخيرة. وقد استشهد علماء الإسلام بشرعية هذا المصطلح، الذي كان يُشار إليه في السابق بـ"هجوم الواحد على صفوف الأعداء"، بناءً على أدلة من القرآن والسنة والإجماع والعقل، وإن كان في السنوات الماضية، بعض علماء السلفية، حرم عمليات الاستشهادية الفلسطينيين. وقد توصل هذا المقال، باخذ منهج التحليلي النقدي والرجوع المباشر إلى المصادر الموثقة على اساس منهج المكتبي، من خلال مقارنة آراء علماء أهل السنة ومروجي الفكر السلفي التكفيري في موضوع العمليات الاستشهادية، إلى هذه النتائج التي مفادها أن علماء أهل السنة فرضوا أربعة شروط لمشروعية عمليات الاستشهادية ومن أهمها ان تكون في "صالح الإسلام والمسلمين"، إلا أنها نفيت من قبل علماء السلفيين التكفيريين. مضافاً إلى ذلك، تم تجاهل شرطين في جهة المستهدفة عند عمليات الاستشهادية في معظم العمليات التي تتم في البلاد الإسلامية، وهما أي يشترط "الكفر" وكونها "المحارب". هذا الرأي من وجهة نظرهم ينبع من فكرة أنهم يعتبرون دار الإسلام بدار الكفر وذلك لوجود بعض المنكرات الشرعية.

كلمات مفتاحية: الاستشهادية، الانغماس، الانتحارية، التكفير، تتريس، دار الاسلام.

* طالب الدكتوراة في قسم التاريخ الإسلامي، جامعة باقر العلوم (ع)، قم، إيران (الكاتب المسؤول).

** الأستاذ في قسم المذاهب الإسلامية، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران.

مؤلفه‌های مشروعیت‌بخشی عملیات استشهادی: بررسی مقایسه‌ای آرای اهل سنت و سلفیه تکفیری

رسول چگینی*

مهدی فرمانیان**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰]

چکیده

عملیات استشهادی از مفاهیمی است که در سده‌های اخیر در ادبیات جنگ مسلمانان راه یافته است. مشروعیت این اصطلاح که در گذشته از آن به عنوان «هجوم تک‌نفره به صف دشمنان» یاد می‌شد، به پشتوانه ادله‌ای از قرآن و سنت و اجماع و عقل، محل استناد علمای اسلامی قرار گرفته است، هرچند در سال‌های گذشته، برخی اندیشمندان سلفی، اقدامات استشهادی مردم فلسطین را حرام می‌شمردند. این نوشتار با شیوه تحلیل انتقادی و مراجعه مستقیم به منابع معتبر به روش کتابخانه‌ای، با مقایسه دیدگاه عالمان اهل سنت و مروجان فکر سلفیه تکفیری در موضوع استشهادی به این نتایج دست یافته است که اهل سنت چهار شرط برای مشروعیت استشهادی برشمرده‌اند که «مصلحت برای اسلام و مسلمانان» مهم‌ترین شرط برای عمل استشهادی است، ولی سلفیه تکفیری انکار کرده‌اند. افزون بر اینکه، جامعه هدف استشهادی که باید دو شرط «کافر بودن» و «محارب بودن» را داشته باشد، در بیشتر اقدامات استشهادی که در مناطق مسلمانان انجام می‌شود، نادیده گرفته شده است. این رأی آنان برخاسته از اندیشه‌ای است که دارالاسلام را به جهت وجود برخی منکرات، دارالکفر می‌خوانند.

کلیدواژه‌ها: استشهادی، انغماسی، انتحاری، تکفیر، ترس، دارالاسلام.

* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول) rsl.chegini@yahoo.com

** استاد گروه مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران m.farmanian@chmail.com

مقدمه

در تاریخ پرفراز و نشیب اسلام، جنگ‌ها و درگیری‌های فراوانی به وقوع پیوسته که روحیه شهادت‌طلبی مسلمانان، نقش بسزایی در تعیین سرنوشت این نزاع‌ها داشته است. از غزوه بدر با حضور پیامبر خدا (ص) تا آخرین تقابلاتی که این روزها شاهد حضور مسلمانان در آن هستیم، همواره شهادت‌طلبی مسلمانان مهم‌ترین نقطه اتکای گروه‌های اسلامی بوده است. در این میان، عملیات استشهادی یکی از جلوه‌های مهم و تأثیرگذار فرهنگ جهاد و شهادت در اسلام است. در تعریف «عملیات استشهادی» گفته‌اند: «عملیات استشهادی یا شهادت‌طلبانه، به معنای عام آن، به اقدامی اطلاق می‌شود که شخصی با قصد قربت و با علم به شهادت و با هدف ضربه‌زدن به دشمن، به انجام آن مبادرت می‌ورزد و در این راه کشته می‌شود» (ورعی، ۱۳۸۲: ۳۱۹). در سده اخیر، اصطلاح «استشهادی» در ادبیات مسلمانان راه‌گشود و عملیات‌های استشهادی، حجم انبوهی از پرسش‌های فقهی و اجتماعی را به وجود آورد که آنان را وادار به مراجعه به اندیشمندان و استفتاء از آنان کرد.

اگرچه نمی‌توان پیشینه گسترده‌ای برای واژه «استشهادی» در منابع اسلامی یافت، اما برخی اندیشمندان فارغ از اصطلاح، درباره مفهومش اظهار نظر کرده‌اند. در منابع کهن اسلامی، این مفهوم را می‌توان تحت عناوینی همچون «هجوم تک‌نفره به جمع کثیری از دشمنان» و نظایر آن پیگیری کرد (ابن‌نحاس، بی‌تا: ۲۸۷). از باب نمونه، سرخسی (متوفای ۴۸۳ ه.ق.) می‌نویسد: «اگر مسلمانی به‌تنهایی به سمت هزار نفر از دشمنانش هجوم ببرد، اگر امید پیروزی و از بین بردن برخی از آنها را داشته باشد، اشکالی بر او متوجه نیست. زیرا با این عمل، نیت پیروزی بر دشمن داشته است» (سرخسی، ۱۹۷۱: ۱۵۲/۱). نووی (متوفای ۶۷۶ ه.ق.) تعبیر «خود را در معرض سختی‌های جنگ انداختن» (نووی، ۱۳۹۲: ۱۸۷/۱۲) و ابن‌حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ ه.ق.) تعبیر «بذل نفس در جهاد و ارزش وفای به عهد با وجود قبول مشقت که از بین رفتن جان را در پی داشته باشد» (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۲۳/۶) را به کار برده‌اند که از آن اراده استشهادی کرده‌اند (رشید، بی‌تا: ۴). دیگران نیز به فراخور بحث، در کتاب جهاد به این مسائل اشاره کرده‌اند. ابن‌تیمیه (متوفای ۷۲۸ ه.ق.) از نخستین کسانی است که تألیف مستقلی درباره این موضوع دارد

(ابن تیمیه، ۱۴۲۲: سراسر کتاب). در عصر حاضر یکی از مؤلفانی که در تألیفاتش بیشترین مرتبه واژه‌های «استشهادی» و «انغماسی» را به کار برده، علی بن نایف الشحود سوری است.^۱ وی از مروجان اندیشه سلفی تکفیری است و از اقدامات گروه‌های تکفیری دفاع سرسختانه‌ای می‌کند.

اگرچه تاکنون نوشته‌های سودمندی در این موضوع منتشر شده، ولی نوشتار پیش رو به دنبال واکاوی مفهوم «استشهادی» در اندیشه اسلامی و مقایسه دیدگاه علمای اهل سنت با سلفی‌های تکفیری است تا از این رهگذر، اقدامات تروریستی گروه‌های تکفیری را ارزیابی، و اثبات کند که این اقدامات، مشروع نیست و آنها را باید انتحاری و خودکشی دانست. مهم‌ترین وجه تمایز این نوشته از سایر آثار، مقایسه دیدگاه سلفیه تکفیری با دیدگاه اهل سنت است. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با استناد به منابع معتبر و مطالعه رفتار جریان‌های تکفیری، مانند القاعده، طالبان، داعش، جبهه النصره و ... سامان یافته است. سیر این پژوهش چنین است که پس از آشنایی با معنا و پیشینه «استشهادی» و تفاوت آن با «انتحاری»، این موضوع را در مقام ثبوت و اثبات می‌کاود. از چهار منظر می‌توان به موضوع استشهادی نگریست، ۱. مشروعیت اقدام استشهادی؛ ۲. شرایط استشهادی؛ ۳. گروه هدف استشهادی؛ ۴. مکان وقوع استشهادی. در ادامه هر یک از این چهار مسئله را جداگانه می‌کاویم.

۱. مفهوم‌شناسی

«استشهادی» از ماده «شهد» در لغت به معنای گواهی خواستن، کسی را به شهادت خواندن، و کشته شدن در راه خدا است، که در این نوشتار معنای سوم مراد است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۳۸/۳). این واژه با رفتن به باب استفعال به معنای طلب شهادت است. در نتیجه، «استشهادی» به معنای شهادت‌طلبی است و با توجه به مفهوم لغوی‌اش، به نظر می‌رسد در اصطلاح عبارت باشد از «شیوه‌ای جدیدی برای مقاومت و رویارویی با دشمن که با وسایل و ابزار جدید کشنده، که در گذشته معمول و معروف نبوده، انجام می‌شود و مجری آن یقین یا ظن غالب دارد که خودش نیز در جریان عملیات به شهادت می‌رسد» (چگینی، ۱۳۹۷: ۱۲).

مؤلفه‌های مشروعیت بخشی عملیات استشهادی: بررسی مقایسه‌ای آرای اهل سنت و سلفیه تکفیری / ۱۱

مفاهیم همسانی که در کنار «استشهادی» به کار برده می‌شود، «انغماسی» و «انتحاری» است. «انغماس» از ماده «غوس» به معنای نفوذ و فرورفتن چیزی در چیز دیگر است (همان: ۱۵۶/۶) که اصطلاح آن در باب جهاد،^۲ درباره کسی است که برای مبارزه خود را به صف دشمنان وارد می‌کند. تفاوت «انغماسی» با «استشهادی» را در این دانسته‌اند که «منغمس» در صف دشمنان و به دست آنها کشته می‌شود اما «استشهادی» به دست خودش کشته می‌شود (الشحود، ۱۴۳۳: ۳۰۱). برخی این باور را نمی‌پذیرند که پایان کار انغماسی، کشته شدن است؛ بلکه انغماسی را به معنای جنگ و گریز به حسب قدرت و مهارت انسان می‌دانند که داخل صفوف دشمن می‌شود و به سرعت خارج می‌گردد و انتظار سالم ماندنش هست (البدر، بی تا: درس ۴۸۰، ۲۹).

«انتحار» از ماده «نحر» به معنای مکان ذبح حیوان (جوهری، ۱۴۰۷: ۸۲۴/۲)، اصطلاحی است که بر کسی اطلاق می‌شود که اقدام به خودکشی می‌کند. تفاوت‌هایی را برای این دو ذکر کرده‌اند، از جمله: ۱. «منتحر» کسی است که خودکشی می‌کند برای اینکه کشته شود اما «مستشهد» خودکشی می‌کند تا دشمنش را بکشد؛ ۲. «منتحر» برای رهایی از مشکلات و ناشکیبایی از قضا و قدر الاهی خودکشی می‌کند، اما «مستشهد» برای اعتلای کلمه الله و دفاع از مسلمانان خودکشی می‌کند؛ ۳. «منتحر» بدون هیچ مصلحت شرعی خودکشی می‌کند اما «مستشهد» برای مصالح شرعی و ایجاد رعب در دل دشمنان، خود را شهید می‌کند (الحربی، بی تا: ۳۶۹).

ابن تیمیه، به عنوان یکی از رهبران اصلی تفکر سلفیه، «استشهادی» را به سه وجه تصویرسازی کرده است؛ صورت نخست، مردی که به تنهایی به صف دشمنان وارد می‌شود، که این قسم را «انغماسی» می‌نامد؛ صورت دوم، مردی که بعضی از رؤسای کفار را وقتی در میان یارانش قرار دارد، می‌کشد؛ و صورت سوم، مردی که همه یارانش از بین رفته‌اند و او به تنهایی یا با چند نفر با دشمنان می‌جنگد و گمان کشته شدن دارند. ابن تیمیه پس از اینکه همه اینها را از دیدگاه مذاهب اربعه جایز می‌داند، ادله شرعی آنها را تبیین می‌کند (ابن تیمیه، ۱۴۲۲: ۲۴).

شیوه کشته شدن استشهادی متفاوت است؛ چه به صورت انفجار به دست خود، یا به دست دشمن، یا مسلمانان به اشتباه او را بکشند، اما از دیدگاه تکفیری‌ها حکم همه اینها یکسان است (الجودت، بی تا: ۳).

۲. مشروعیت استشهادی

در این بخش، نخست مشروعیت اقدام استشهادی را از دیدگاه مذاهب اهل سنت و سلفی‌ها بررسی می‌کنیم. سپس آرای سلفیه جهادی را بیان، و آنها را نقد می‌کنیم.

۲.۱. مشروعیت استشهادی از دیدگاه مذاهب اهل سنت

فقه‌های پیشگام مذاهب اربعه هیچ اشاره‌ای به حکم عملیات‌های استشهادی که در سده اخیر به وقوع می‌پیوندد، نکرده‌اند، زیرا در زمان آنها به دلیل فقدان سلاح‌های پیشرفته و ابزار انفجاری، تصور این مسئله برایشان مقدور نبود. بیشتر مباحثی که می‌توان از آنها حکم عملیات استشهادی را استخراج کرد، در موضوع هجوم تک‌نفره بر جمعی از دشمنان است که در میان مذاهب اربعه اهل سنت، دیدگاه‌هایی نزدیک به هم در این باره دیده می‌شود.

حنفی

از محمد بن حسن شیبانی (متوفای ۱۸۹ ه.ق.)، جزء مروجان اصلی مذهب حنفی، نقل شده است که اگر کسی به‌تنهایی بر جمع هزارنفره از مشرکان هجوم ببرد، چنانچه امید نجات خود یا ضربه‌زدن به دشمن را داشته باشد، این اقدامش مشکلی ندارد (سرخسی، ۱۹۷۱: ۱۶۳/۱) اما اگر چنین نباشد، عملش مکروه است، زیرا جان خود را در معرض تلف‌شدن قرار داده است که هیچ نفعی به مسلمانان نمی‌رساند (جصاص، ۱۴۱۵: ۳۱۹/۱). اما اگر به منظور جرئت‌بخشیدن به مسلمانان برای هجوم بر دشمنان این کار را بکند، جواز این اقدام دور از ذهن نیست. زیرا در این اقدام نفعی برای مسلمانان هست. همچنین، اگر قصدش ترساندن دشمنان باشد تا به صلابت مسلمانان پی ببرند، در این صورت اگر جانش را از دست دهد، پس این مقام شریفی است که خداوند آنان را با آیه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ» (توبه: ۱۱۱) مدح کرده است (به نقل از: قرطبی، ۱۴۲۳: ۳۶۴/۲).

مالکی

قرطبی (متوفای ۶۷۱ ه.ق.) آرا و اقوال علمای مالکی‌مذهب را درباره این مفهوم مطرح کرده است. وی می‌گوید علما درباره هجوم تک‌نفره به صف دشمنان

مؤلفه‌های مشروعیت بخشی عملیات استشهادی: بررسی مقایسه‌ای آرای اهل سنت و سلفیه تکفیری / ۱۳

(استشهادی) دیدگاه‌های مختلفی اظهار کرده‌اند. برخی می‌گویند اگر شخصی توان جسمی کافی و اخلاص در نیت داشته باشد، هیچ اشکالی ندارد که دست به چنین اقدامی بزند. اما اگر توان نداشته باشد، این کارش خودکشی است. برخی فقط اخلاص در نیت و شهادت طلبی را شرط می‌دانند و از توان جسمی سخنی به میان نیاورده‌اند. پاره‌ای گفته‌اند هجوم تک‌نفره بر جماعتی از دشمنان دو حالت دارد: اگر علم یا گمان قوی دارد که دشمنان را می‌کشد و خودش نجات پیدا می‌کند، این اقدامش حسن است. اما اگر علم یا گمان قوی دارد که کشته می‌شود ولی باعث درهم‌کوبیدن دشمن شود که نفعی به مسلمانان می‌رساند، این عمل هم جایز است (همان: ۳۶۳/۲).

شافعی

ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ ه.ق.)، از علمای برجسته شافعی مذهب، می‌نویسد: جمهور تصریح کرده‌اند کسی که به‌تنهایی بر شمار فراوانی از دشمنان هجوم ببرد، اگر شجاعت بسیار داشته باشد و بر این گمان باشد که دشمنان با این اقدامش دچار ترس می‌شوند یا باعث شجاعت مسلمانان می‌شود، پس این اقدامش حسن است. اما اگر این اقدام برخاسته از بی‌پروایی‌اش باشد، این عمل ممنوع است، مخصوصاً اگر این اقدامش باعث سرافکندگی و ضعف مسلمانان شود (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۱۸۵/۸).

حنبلی

ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸ ه.ق.) می‌گوید: «ائمه اربعه بر جواز هجوم تک‌نفره مسلمان در صف دشمنان، حتی اگر گمان به کشته‌شدن داشته باشد، حکم کرده‌اند. البته در صورتی که در آن مصلحتی برای مسلمانان وجود داشته باشد» (ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۵۴۰/۲۸). وی در جای دیگر می‌گوید مذاهب اربعه بر جواز این مسئله اتفاق دارند و همه علمای برجسته نیز بر آن حکم کرده‌اند و از شافعی و احمد و ابوحنیفه و مالک نص بر جواز وجود دارد (همو، ۱۴۲۲: ۲۵).

۲.۲. مشروعیت استشهدی از دیدگاه سلفیان تکفیری

اصل مشروعیت استشهدی را بیشتر علمای سلفی تأیید کرده‌اند و کمتر کسی پیدا می‌شود که استشهدی را به عنوان یکی از شیوه‌های جهاد علیه دشمن به رسمیت نشناسد. اما در مواجهه با عملیات‌هایی که به نام «استشهدی» به وقوع می‌پیوندند، آرای گوناگونی دیده می‌شود. برای دست‌یابی به دیدگاه‌های برجسته، ناگزیر از واکاوی این اصطلاحیم.

در تاریخ معاصر، اصطلاح «استشهدی» دو دوره متفاوت در جغرافیای اسلامی پشت سر گذاشته است. دوره نخست زمانی است که این عمل، مهم‌ترین سلاح مردم فلسطین برای دفاع از حریمشان دانسته می‌شد (صائغ، ۱۹۸۹: ۳/۳۹۳) و پس از آن در لبنان، افغانستان، چین و برخی کشورهای دیگر این شیوه ادامه یافت (الحمود، بی‌تا: ۱۰۴). دوره دوم اقداماتی است که گروه‌های تکفیری برای پیشبرد اهدافشان در عراق و سوریه استفاده می‌کردند. داعش بزرگ‌ترین تیم استشهدی را در این منطقه دارد و جریان‌های دیگر مانند طالبان نیز، از گذشته تا کنون، هر از چند گاهی دست به چنین اقداماتی می‌زنند. البته نباید فراموش کرد که همه خشونت‌هایی که تکفیری‌ها در کشورهای اسلامی به اجرا می‌گذارند، تحت عنوان «عملیات استشهدی» نیست، بلکه تحت عنوان «جهاد» انجام می‌دهند و مبنایشان توسعه در مفهوم «جهاد»، توسعه در مفهوم «کفر» و «ارتداد»، و تضييق مفهوم «توحيد» است و مستمسک‌شان سه دسته از آیات جهاد، قتال و حرب، در قرآن کریم است.

درباره حکم عملیات‌های استشهدی دو دیدگاه مهم از علمای سلفی دیده می‌شود:

دیدگاه نخست: جایز نبودن عملیات؛ عده‌ای با وجود پذیرش مشروعیت استشهدی، عملیات‌های استشهدی عصر حاضر را خودکشی قلمداد می‌کنند و جایز نمی‌دانند (البانی، بی‌تا ب: ۴۴/۱۴). زیرا آن را حرکت‌های فردی‌ای می‌دانند که بدون پشتوانه فکری و حمایت برنامه‌ریزی شده از سوی جمع مسلمانان است (همو، بی‌تا الف، جلسه ۴۸۹، ۸). برخی شروطی را برای جواز آن ذکر کرده‌اند، از قبیل اینکه نفع مسلمانان در آن باشد، اما در ادامه با اشاره به اقدامات استشهدی مردم فلسطین افزوده‌اند کشتن چند یهودی که در اداره و رهبری جامعه یهود نقشی ندارند بی‌فایده است که حتی انتقام طرف

مؤلفه‌های مشروعیت بخشی عملیات استشهادی: بررسی مقایسه‌ای آرای اهل سنت و سلفیه تکفیری / ۱۵

مقابل و کشته شدن تعدادی از مسلمانان را در پی خواهد داشت (بن‌عثیمین، بی‌تا: ۱۵/۲۲). پاره‌ای نیز هیچ اعتقادی به استشهادی ندارند و همه اینها را خودکشی و قتل نفس می‌نامند (البدر، بی‌تا، درس ۳۶۲، ۳۶: الحصین، ۱۴۲۴: ۱۶۶)؛ البته با توجه به اینکه قائلان به این دیدگاه وابسته به جریان سیاسی خاصی هستند، به نظر می‌رسد بیشتر این آرا، ناظر به اقدامات استشهادی مردم فلسطین و تحت تأثیر مواضع سیاسی آل سعود در جهت به رسمیت شناختن و امنیت بخشی به رژیم اسرائیل است.

دیدگاه دوم: جواز؛ صاحبان این نظر، چهره متفاوتی از استشهادی نشان می‌دهند. افرادی چون ایمن الظواهری نیاز را در این دید که تمرکز بیشتری بر عملیات‌های استشهادی طالبان داشته باشد و آن را بزرگ‌ترین راه پیروزی بر دشمنان توصیف کند (الظواهری، بی‌تا الف: ۲۶۹؛ جونس، بی‌تا: ۳۵). وی سوگند می‌خورد که اگر امکان عملیات استشهادی علیه دشمنان اسلام برایش فراهم بود، لحظه‌ای در انجام دادنش کوتاهی نمی‌کرد (الظواهری، بی‌تا ب: ۱۷۸). این دسته با توجه به عملیات‌های استشهادی فلسطینیان، آنها را قوت قلبی می‌دانند که هر غیرتمندی به آن رشک می‌برد (قرضاوی، بی‌تا الف: ۳۰) و باعث برآشفتن اسرائیلی‌ها می‌شود و رعب و وحشت را به دل آنها سرازیر می‌کند (همو، بی‌تا ب: ۲۲). برخی نیز تلاش دارند از این اقدامات به عنوان الگو برای استشهادی‌های عراق و سوریه استفاده کنند (الشحود، بی‌تا: ۱۵). البته کسانی هم هستند که این اقدامات را فقط مشروط به وجود ضرورت شرعی (هیکل، ۱۴۱۷: ۱۴۰/۱/۲)، و با اذن حاکم شرعی می‌دانند (التکروری، ۱۹۹۷: ۸۸).

در نتیجه نمی‌توان به نظر واحدی در مشروعیت اقدامات استشهادی دست یافت. اما با این حال، سلفی‌های تکفیری و حامیان داعش استشهادی را مرحله ارتقایافته فریضه جهاد می‌دانند (مقدسی، بی‌تا: ۲۵)، و تمجیدهای بی‌حد و مرزی برای این اقدام بر زبان جاری می‌کنند (الشحود، ۱۴۳۳: ۲۲۸). آنها عملیات استشهادی را بهترین وسیله برای ترساندن دشمنان اسلام به حساب می‌آورند (البغدادی، بی‌تا: ۴)، و مستشهد را مطیع فرمان الاهی معرفی می‌کنند (الحربی، بی‌تا: ۳۸۳). از دید آنها، کسانی دست به اقدام استشهادی می‌زنند که بر سر عهدی که با خدا بسته‌اند صادقانه ایستاده‌اند (الحسنی، بی‌تا: ۱). آنها نیتشان را برای خدا خالص کرده‌اند (الجودت، بی‌تا: ۲) و به فضل الاهی! همواره

داوطلبانی برای انجام‌دادنش وجود دارند (مقدسی، بی‌تا: ۳۵)، و عنوان «فدایی» برایشان شایسته‌تر است (الحمود، بی‌تا: ۹۴). این عده از ابومصعب الزرقاوی به عنوان «امیر استشهادیون» یاد می‌کنند (منبر التوحید، بی‌تا: ۱۳).

حتی در صورت اثبات مشروعیت عمل استشهادی، هرگز نمی‌توان اقدامات تروریستی گروه‌های تکفیری را مصداق عملیات استشهادی دانست. این گروه‌ها بدون توجه به شرایط وجوب جهاد و کسانی که می‌توان علیه‌شان اقدام استشهادی انجام داد، با نگاه تنگ‌نظرانه خود، بسیاری از مسلمانان را از محدوده اسلام خارج کرده، خونشان را مباح می‌کنند. سپس از بین بردن آنها را با هر وسیله و ابزاری جایز می‌شمرند.^۳ آنها با چشم‌نهادن بر انعکاس منفی اقدامات تروریستی، خود را نماینده اصلی اسلام معرفی کرده، چهره‌ای نامطلوب از اسلام برای جهانیان نمایان می‌کنند. این در حالی است که رسول گرامی اسلام (ص)، حتی وقتی می‌خواستند سپاهی برای جنگ اعزام کنند، خطاب به آنها می‌فرمودند: «با نام خدا و برای خدا و در راه خدا سفر را آغاز کنید. نیرنگ و حقه نزنید. کشته‌ها را مثله نکنید. سال‌خوردگان، کودکان و زنان را نکشید و درختی را نبرید، مگر آنکه مجبور شوید» (ابوداود سجستانی، بی‌تا: ۳۷/۳).

در حالی که بیشتر قربانیان عملیات‌های انتحاری، مسلمانان بی‌گناه و زنان و کودکان هستند، آیا می‌توان آنها را پیرو رسول خدا (ص) دانست؟ آیا کسانی که خودشان را در جمع نمازگزاران یک مسجد منفجر می‌کنند، در این تصورند که موجبات رضایت پیامبر (ص) را فراهم آورده‌اند؟ بدون شک روشنگری و معرفت‌افزایی پیروان اندیشه‌های افراطی، سهم مهمی در کاهش این اقدامات تروریستی خواهد داشت.

۳. شرایط استشهادی

صاحب‌نظران اهل سنت برای مشروعیت عمل استشهادی و فاعل آن این شروط را ذکر کرده‌اند:

۱. اخلاص و قصد قربت و رضای الهی (ابن‌نحاس، بی‌تا: ۲۸۷).
۲. توان جسمی و قدرت بدنی (قرطبی، ۱۴۲۳: ۳۶۳/۲).
۳. وجود مصلحت برای اسلام و مسلمانان (ابن‌قیم الجوزیه، ۱۴۲۸: ۲۶۳).

مؤلفه‌های مشروعیت بخشی عملیات استشهدادی: بررسی مقایسه‌ای آرای اهل سنت و سلفیه تکفیری / ۱۷

۴. احتمال قتل یا جرح دشمن و بی‌فایده نبودن آن (سرخسی، ۱۹۷۱: ۱۶۴/۱).

در صورتی که این شرایط برای عمل استشهدادی و فاعلش وجود نداشته باشد، این اقدام خودکشی و حرام است (قرطبی، ۱۴۲۳: ۳۶۳/۲). مهم‌ترین دلیلی که عملیات‌های «انتحاری» گروه‌های تکفیری را از «استشهدادی» جدا می‌کند، وجود مصلحت برای اسلام و مسلمانان است. به همین علت آنها مجبور به تحریف این بخش از شروط استشهدادی شده‌اند و وجود مصلحت اسلام و مسلمانان را شرط کمال می‌دانند و نه شرط جواز (فلسطینی، ۱۴۳۱: ۹۱)، و حتی اذن امیر را نیز لازم نمی‌دانند (همان: ۹۲). لذا به راحتی اقدامات انتحاری‌شان را با نام «استشهدادی» توجیه کرده، با اغفال برخی از جوانان آنها را به انجام دادن عملیات انتحاری وادار می‌کنند. اقداماتی که امروزه گروه‌های تکفیری انجام می‌دهند، نه تنها هیچ مصلحتی برای اسلام و مسلمانان ندارد، بلکه مفاسدش به حدی است که دین اسلام را دینی ضدانسانی معرفی می‌کند. چگونه می‌توان پذیرفت دینی که پیامبرش رحمت برای عالمیان است، این‌گونه پیروان خود را از دم تیغ بگذراند و به هیچ کوچک و بزرگی رحم نکند؟ اهتمام رسول‌الله (ص) به نمایان کردن جنبه‌های رحمانی دین به حدی است که وقتی معاذ بن جبل را برای تبلیغ دین به یمن فرستاد (طبری، ۱۳۸۷: ۱۰۰/۳)، تأکید کرد که «آسان بگیر و سخت نگیر، بشارت بده و باعث ایجاد تنفر نشو، با آنان همراه شو و با آنان اختلاف نکن» (بخاری، ۱۴۲۲: ۶۵/۴). چرا جریان‌های تکفیری این سیره پیامبر اکرم (ص) را نادیده می‌گیرند و با اعمال بدترین نوع جنایت علیه مخالفان خود، امت پیامبر (ص) را بدنام می‌کنند؟

۴. گروه هدف استشهدادی

مبحث جامعه هدف استشهدادی پیوند عمیقی با بحث جهاد و مصادیق وجوب آن دارد، زیرا عملیات استشهدادی را یکی از ابزارهای جهاد به شمار آورده‌اند. از این رو ابتدا باید مصادیقی را که جهاد علیه آنها مشروعیت پیدا می‌کند، تبیین کنیم.

جمهور علمای حنفی، مالکی و شافعی با این پیش‌فرض که جهاد مشروع در مقابل کفار و مشرکان تعیین پیدا می‌کند، تنها علت شکل‌گیری جهاد را اظهار دشمنی یا اعلان جنگ از سوی آنها بیان کرده‌اند (البابرتی، بی‌تا: ۴۵۲/۵؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۱۰۱/۷؛ الرعینی، ۱۳۹۸:

۳/۳۵۱). در مقابل، دیدگاه امام شافعی این است که علت قتل کفار، کفرشان است (شافعی، ۱۴۱۰: ۲۵۳/۴؛ شربینی، ۱۴۱۵: ۳۰/۶؛ ابن حزم، بی تا: ۳۴۸/۵). البته این سخن بدان معنا نیست که قتل هر کافری جایز شمرده شود، بلکه این حکم در صورتی است که کافر بر احکام اسلام، از قبیل پرداخت جزیه، پای بند نباشد، اما اگر جزیه پردازد، ریختن خونش حرام است (شافعی، ۱۴۱۰: ۲۵۳/۴؛ هیکل، ۱۴۱۷: ۱۲۵۲/۲).

بدین ترتیب، علمای اهل سنت با دو شرط جهاد را جایز می دانند: اول، وجود کفار و مشرکان؛ دوم، اعلان جنگ و اظهار عداوت از سوی آنان. شایان ذکر است که مراد از جهاد در این بحث، جهاد ابتدایی است نه جهاد دفاعی. با این بیان ثابت می شود که هیچ یک از علمای اهل سنت جهاد علیه مسلمانان را جایز نمی دانند. در نتیجه اقداماتی که گروه های تکفیری در کشورهای مسلمان انجام می دهند، شرایط جهاد مشروع را ندارد و همه اقدامات استشهادی شان، خودکشی است و عامل آن مستحق جهنم است.

پس از مهیا شدن همه شرایط برای اقدام استشهادی، پرسشی اساسی پیش روی عاملان استشهادی پدید می آید و آن اینکه ممکن است در این عملیات استشهادی انسان های بی گناه، مانند زنان و کودکان، کشته شوند. این پرسش آنجا که احتمال حضور افراد مسلمان نیز در آن جمع وجود داشته باشد، دشوارتر می شود. علمای اهل سنت حکم کرده اند که اگر ضرورت اقتضا کند قتل انسان های بی گناهی که در جبهه دشمنان باشند، جایز است. ابن قدامه مقدسی (متوفای ۶۲۰ ه. ق.) درباره این موضوع نوشته است:

اگر زنان و کودکان کفار و مشرکان، سپر دفاعی آنان شده باشند، جایز است از بین بردن آنها به قصد مقاتله؛ زیرا پیامبر خدا (ص) دستور به پرتاب منجنیق به سوی دشمنان اسلام داد، در حالی که در میان آنها زنان و کودکان حضور داشتند. افزون بر اینکه، دست نگه داشتن از این اقدام، به تعطیلی جهاد می انجامد (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۲۸۸/۹).

اما سلفی های تکفیری در مواجهه با این نیاز این گونه پاسخ می دهند که شرع به آنها رخصت داده اگر بخواهند کفار و مشرکان را هدف قرار دهند، حتی اگر علم داشته

مؤلفه‌های مشروعیت بخشی عملیات استشهادی: بررسی مقایسه‌ای آرای اهل سنت و سلفیه تکفیری / ۱۹

باشند که کودکان و زنان مسلمان نیز در آنجا کشته می‌شوند، می‌توانند اقدام کنند. زیرا اگر بخواهند به دلیل کشته شدن بی‌گناهان، از این اقدام دست بکشند، دیگر نمی‌توانند در هیچ جایی، به فریضه الاهی جهاد جامه عمل ببوشانند. زیرا امروزه هیچ نقطه‌ای از جهان نیست که مسلمانی در آنجا حضور نداشته باشد (الحسنی، بی‌تا: ۱۱).

این در حالی است که اندیشمندان اهل سنت این موضوع را در منابع فقهی تحت عنوان «تترُّس»، به معنای سپر انسانی، جای داده‌اند. ارتباط تنگاتنگی میان «تترس» و «استشهادی» وجود دارد، از این جهت که کسی که حکم به جواز قتل مسلمانان متترس دهد، بدون شک عملیات‌های استشهادی را نیز جایز می‌داند (الشحود، ۱۴۳۳: ۳۸۵).

درباره این پرسش که در صورت درآمیخته شدن کفار و مسلمانان، آیا می‌توان بر آنها هجوم برد، دو رأی مختلف وجود دارد:

دیدگاه نخست: هجوم به کفار در صورت حضور مسلمانان صحیح نیست. این رأی از مالک و اوزاعی نقل شده اما متأخران مالکیه با این دیدگاه مخالفت کرده‌اند. قرطبی (متوفای ۶۷۱ ه.ق.) ذیل تفسیر آیه «لِيَدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا» (فتح: ۲۵) می‌نویسد: «این آیه دلالت بر این دارد که به منظور مراعات حرمت مؤمن، باید با کفار مراعات کرد، زیرا عذاب دادن کافر محقق نمی‌شود مگر با اذیت شدن مؤمن» (قرطبی، ۱۴۲۳: ۲۸۶/۱۶). او در ادامه، رأی امام مالک را در این مسئله این‌گونه تقریر می‌کند که وی معتقد بود اگر انسان علم به حضور مسلمانی در میان کفار داشته باشد و بر آنها هجوم برد و باعث قتل مسلمانی شود، دیه و کفاره بر او ثابت می‌شود (همان).

دیدگاه دوم: هجوم به کفار با علم به قتل مسلمانان جایز است. این حکم از ابوحنیفه و سفیان ثوری نقل شده است (همان: ۲۸۷). قائلان به این دیدگاه، آن را به سیره پیامبر (ص) در نصب منجنيق بر طائف مستند می‌کنند (سرخسی، ۱۴۱۴: ۶۵/۱۰). برخی از این قاعده کلی، مکه و منطقه حرم را استثنا کرده‌اند (شریعی، ۱۴۱۵: ۳۰/۶). برخی از کسانی که این نظر را دارند، آن را مشروط بر این می‌دانند که ضرورت مسلمانان و منفعت بزرگ‌تر اقتضای این کار را داشته باشد (کاسانی، ۱۴۰۶: ۱۰۰/۷). شافعی (متوفای ۲۰۴ ه.ق.) بر جواز این عمل حکم کرده است، هرچند احتیاطاً آن را مکروه می‌داند (شافعی، ۱۴۱۰: ۲۵۸/۴). ابن تیمیه نیز با همان شرایط این اقدام را جایز می‌داند (ابن تیمیه، ۱۴۰۸: ۵۴۷/۲۸).

در واقع، می‌توان حکم تترس را این‌گونه جمع‌بندی کرد که اگر دشمنان افراد بی‌گناه یا مسلمانان را سپر دفاعی‌شان قرار داده باشند، و ضرورت اقتضا کند می‌توان به آنها هجوم برد، حتی با علم به کشته‌شدن افراد بی‌گناه و مسلمانان؛ اما اگر ضرورتی وجود نداشت، از دیدگاه شافعی و حنابله این هجوم جایز نیست، اما حنفیه آن را مطلقاً جایز می‌دانند. زیرا در این هجوم ضرر عام از مسلمانان دفع می‌شود. مالکیه نیز این جنگ را جایز می‌دانند، به شرط آنکه قصدی برای کشتن مسلمانان نداشته باشند (وزارة الاوقاف، بی‌تا: ۱۳۷/۱۰).

بدین ترتیب بیشتر علمای اهل سنت قتل انسان‌های بی‌گناه را فقط در صورت «ضرورت شرعی» جایز دانسته‌اند. «ضرورت» از دیدگاه اندیشمندان به حاجت شدیدی گفته می‌شود که انسان ناچار به مخالفت با حکم شرعی شود، به گونه‌ای که هیچ راه دفعی وجود نداشته باشد: «الحاجة الشديدة الملجئة الى مخالفة حکم الشرعی» (جیزانی، بی‌تا: ۸). افزون بر اینکه ضوابطی برای این ضرورت ذکر کرده‌اند، از قبیل: یقین یا ظن غالب به حصول ضرر؛ تعذر وسایل مباح برای ازاله ضرر؛ ارتکاب عمل ضرورتی به میزان احتیاج؛ مترتب‌نبودن ضرری بزرگ‌تر یا مساوی بر عمل ضرورتی (همان: ۱۴). با توجه به این شرایط می‌توان بر غیرمشروع بودن اقدامات استشهادی گروه‌های تکفیری حکم کرد، زیرا حتی اگر ضرورتی در ارتکاب این اعمال وجود داشته باشد، اما مترتب‌شدن ضررهای بزرگ‌تر، از قبیل دوام جنگ و خون‌ریزی و کشته‌شدن انسان‌های بی‌گناه که خداوند گناه قتل هر یک انسان بی‌گناه را مساوی با قتل تمام انسان‌ها می‌داند (مانده: ۳۲)، ارتکاب این محضورات را نفی می‌کند.

از مسائل پیرامونی کشتن مسلمانان بی‌گناه، تعلق دیه به آن است که در این باره دو دیدگاه وجود دارد: برخی دیه را واجب می‌دانند، زیرا در عموم آیه «و من قتل مؤمناً خطأ فتحرير رقبة مؤمنة و دية مسلمة إلى أهله» (نساء: ۹۲) قرار می‌گیرد. پاره‌ای دیگر هیچ دیه‌ای بر آن مترتب نمی‌دانند، زیرا در مقام دفع ضرر از کیان اسلام کشته شده‌اند (مرغینانی، بی‌تا: ۱۳۷/۲)، افزون بر اینکه آنها در دارالحرب (که تعریفش در ادامه می‌آید) کشته شده‌اند و در عموم آیه «فإن كان من قوم عدو لكم و هو مؤمن فتحرير رقبته مؤمنة» (نساء: ۹۲) داخل می‌شوند و در این آیه هیچ اشاره‌ای به دیه نشده است.

مؤلفه‌های مشروعیت بخشی عملیات استشهادی: بررسی مقایسه‌ای آرای اهل سنت و سلفیه تکفیری / ۲۱

ابوحنیفه نیز بر این رأی است که دیه و کفاره بر عهده کسی نیست (قرطبی، ۱۴۲۳: ۲۸۷/۱۶).

۵. مکان وقوع استشهادی

یکی از موضوعاتی که در بحث جهاد و به‌ویژه عملیات استشهادی به آن توجه می‌شود، مکان وقوع استشهادی است. با مطالبی که تاکنون ذکر شد، این نکته به اثبات رسید که فقط در صورتی می‌توان به این اقدامات دست زد، که در طرف مقابل، کفار و مشرکان صف‌آرایی کرده باشند. در نتیجه حتماً باید آنها از دایره اسلام خارج شده و مناطقی حکم مناطق تحت نفوذ اسلام را نداشته باشد تا بتوان برای اقدام استشهادی داوطلب شد. تکفیری‌ها در این شرط نیز دست برده و با توسعه معنای «دارالکفر»، سرزمین‌های اسلامی را داخل در دارالکفر کرده‌اند. از همین رو نخست باید دیدگاه علمای اهل سنت درباره سرزمین‌های اسلام و کفر را بدانیم. جمهور فقهای اهل سنت در تعریف «دارالاسلام» و «دارالکفر» گفته‌اند: دارالاسلام سرزمینی است که مسلمانان در آنجا ساکن باشند و احکام اسلام اجرا شود. اما اگر احکام اسلام در آنجا اجرا نشود، آن سرزمین دارالکفر است (ابن قیم الجوزیه، ۱۴۱۸: ۷۲۸/۲؛ ابن مفلح، ۱۴۱۹: ۲۱۱/۱). دارالکفر خود بر دو قسم است: کفار حربی و کفار معاهد. سرزمین اهل ذمه هم ملحق به دارالاسلام می‌شود (خالدی، بی تا: ۱۴).

اما سلفی‌های تکفیری ملاک حکم بر یک سرزمین را دو چیز می‌دانند: ۱. قوه و غلبه؛ ۲. نوع احکامی که در آنجا اجرا می‌شود. بر این اساس، دیگر دیانت ساکنان یک سرزمین یا اجراشدن شعائر اسلام هیچ دخلی در حکم بر اسلام یا کفر آن سرزمین ندارد. از نظر آنها، دارالکفر از جهت نوع کفر به سه قسم اصلی، عارضی و دارالردّه، و از جهت رابطه‌اش با اسلام به دارالحرب و دارالعهد، و از جهت امنیت مسلمانان ساکن در آنجا به دارالامن و دارالفتنه تقسیم می‌شود. دارالاسلام نیز به دارالبغی، دارالفسق و دارالذمه بخش می‌شود (منبر التوحید، بی تا: ۱۷۵-۱۷۹). آنها سرزمین‌های اسلامی را به دلیل اجراشدن احکام اسلام، وضع قوانین ناسازگار با شریعت اسلام، هم‌پیمانی دولت‌های اسلامی با کشورهای غیرمسلمان، ترویج بدعت‌ها و اعمال شرکی مانند توسل و

استغاثه به قبور اولیا و صالحان، سرزمین‌های کفرآمیزی می‌دانند که نمی‌توان حکم دارالاسلام را بر آنها جاری کرد!

دارالکفر سرزمینی است که قتال و کشتار مشرکان برای مسلمانان مباح است (شافعی، ۱۴۱۰: ۳۶۹/۷)؛ به همین دلیل مهاجرت از دارالکفر به دارالاسلام برای کسی که توان داشته باشد واجب است (ابن تیمیه، ۱۴۳۲: ۷۴؛ همو، ۱۴۱۶: ۲۸۱/۱۸)، زیرا مسلمانان در دارالکفر آن میزان از واجبات شرع را می‌توانند انجام دهند که به آنان اجازه می‌دهند (همو، ۱۴۰۶: ۱۲۲/۵). اما کسی که از دارالاسلام به دارالحرب برود، در واقع از محضر خدا و رهبر مسلمانان و جماعتشان گریخته است. مسلمانی که از روی اختیار به دارالحرب ملحق شود و با مسلمانان به دشمنی برخیزد، احکام مرتد، از قبیل وجوب قتل و اباحه اموال و انفساخ نکاح بر او مترتب می‌شود. اما اگر از روی اجبار فرار کند و به مسلمانان دشمنی نرزد و کفار را یاری نکند، چون مضطر است حکمی بر او مترتب نمی‌شود. همچنین، اگر مسلمانی با اختیار خود در سرزمینی ساکن شود که کفر و ترک اسلامشان آشکار است، او کافر است. اما اگر در سرزمینی اقامت کند که ظاهراً مسلمانانند اما بعضی کارهای کفار را انجام می‌دهند، کافر نیست، زیرا شعائر اسلامی مانند توحید، اقرار به رسالت حضرت محمد (ص)، نماز، روزه و غیره در آنجا نمایان است (ابن حزم، بی‌تا: ۱۲۶/۱۲).

با فراهم شدن شرایطی که برای دارالاسلام ذکر شد، دارالکفر به دارالاسلام تبدیل می‌شود. اما در نقطه مقابل اگر اهل حرب بر مسلمانان چیره شوند، یا مسلمانان مرتد شوند، یا اهل ذمه عهدشکنی کرده، یا خوارج بر امام مسلمانان خروج کنند، شرایط تبدیل دارالاسلام به دارالکفر فراهم شده است. در تبدیل دارالاسلام به دارالکفر چند دیدگاه وجود دارد:

اول: گفته شده که جمهور اهل سنت این تبدیل را جایز می‌دانند (ابراهیم الدیک، ۱۴۱۸: ۶۶).

دوم: در مذهب ابوحنیفه سه شرط برای این تغییر ذکر می‌کنند: ۱. ظهور احکام کفر؛ ۲. هم‌مرز و نزدیک با دارالکفر باشد؛ ۳. هیچ مسلمان یا اهل ذمه‌ای در آنجا نباشد (ابن عابدین، ۱۴۱۲: ۱۷۵/۴).

مؤلفه‌های مشروعیت بخشی عملیات استشهادی: بررسی مقایسه‌ای آرای اهل سنت و سلفیه تکفیری / ۲۳

سوم: از دیدگاه برخی علمای شافعیه، هیچ‌گاه دارالاسلام به دارالکفر تبدیل نمی‌شود (ابن حجر هیتمی، ۱۳۵۷: ۲۶۹/۹). و هر چقدر هم دگرگونی در دارالاسلام صورت گیرد، باز هم بر آنجا اطلاق «دارالاسلام» می‌شود (نووی، ۱۴۱۲: ۴۳۳/۵؛ الرملی، ۱۴۰۴: ۴۵۴/۵).

چهارم: برخی علمای مالکی معتقدند دارالاسلام تا زمانی که مسلمانان در آنجا ساکن باشند و شعائر اسلامی اقامه شود، به مجرد استیلائی کفار تبدیل به دارالکفر نمی‌شود (دسوقی، بی تا: ۱۸۸/۲).

پنجم: از ابن تیمیه نقل شده در صورتی که سرزمین‌های اسلامی تحت سیطره کفار و احکامشان درآید، اگر مسلمانان در آنجا باقی مانده باشند، آن سرزمین نه دارالکفر است نه دارالاسلام، بلکه آمیزه‌ای از دو سرزمین اسلام و کفر است (ابن تیمیه، ۱۴۰۸: ۵۳۳/۳).

با نگاهی به مناطقی که در معرض حمله گروه‌های تکفیری قرار گرفته، شاهدیم که این مناطق غالباً در تصرف مسلمانان است و حکم دارالاسلام بر آنها صدق می‌کند. در نتیجه انجام دادن این قبیل اقدامات تروریستی که باعث کشته شدن مسلمانان بی‌گناه می‌شود، هیچ دلیل شرعی‌ای نمی‌تواند داشته باشد. زیرا علمای اهل سنت حتی انجام دادن اعمال استشهادی در دارالعهد را نیز جایز نمی‌دانند (الحمود، بی تا: ۳۶۴). سوگمندان تکفیری‌ها نخست سرزمین‌های مد نظر خود را دارالکفر قلمداد کرده، در ادامه به جواز عملیات‌های استشهادی در آنجا حکم می‌کنند.

غیر از مباحث مذکور، بازخوانی پرونده جنگ عراق و سوریه و تلفات انسانی به‌جامانده از این جنگ، گویای جنایاتی است که تاریخ، مسبب آن را اندیشه‌های افراطی ثبت می‌کند که بیشترین قربانیانش مسلمانانی هستند که نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند و قرآن و کعبه و رسول‌الله (ص) نقطه اشتراکشان است. اما سوگمندان بر اساس گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی در سال ۲۰۱۷ (سال خروج داعش از سوریه)، بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵، تقریباً نیمی از قربانیان غیرنظامی جنگ‌های جهان در سوریه، عراق و یمن بودند. در سال ۲۰۱۷ این رقم از مرز ۵۰ درصد قربانیان غیرنظامی هم گذشته است. بر اساس این گزارش، تحقیقات سه سال منتهی به ۲۰۱۷ نشان می‌دهد جنگ‌های شهری موجب مرگ و میر ۷۰ درصد از کل جمعیت غیرنظامی

در این سه کشور (اسلامی) شده است که خود نشانگر تأثیر وحشتناک این جنگ‌های ویرانگر در سطح جهان است (www.irna.ir/fa/News/82630532).

در حال حاضر، بیشترین عملیات‌های انتحاری به دست داعش در افغانستان و یمن به وقوع می‌پیوندد که رهاوردش از بین رفتن مسلمانان بی‌گناهی است که خداوند کشتن یک نفر از آنها را معادل کشتن همه انسان‌ها به شمار آورده است (مائده: ۳۲). چگونه گروه‌های تکفیری این توطئه دشمنان اسلام را نادیده گرفته و به آلت دستی برای پیشبرد اهداف اسلام‌ستیزانه آنها تبدیل شده‌اند؟ تکفیری‌ها با تحریف مفاهیم مقدسی مانند «روحیه ایثار و شهادت‌طلبی»، ضمن بدنام کردن مسلمانان و خشونت‌طلب نشان‌دادنشان، به گسسته‌شدن صف متحد مسلمانان کمک می‌کنند. در واقع، هر انتحاری، با انجام دادن عملیات خود زخمی بر پیکره اسلام وارد می‌کند که آثارش برای مدت‌ها در افکار عمومی باقی خواهد ماند.

نتیجه

عملیات شهادت‌طلبانه، به معنای عام آن، به اقدامی اطلاق می‌شود که شخصی با قصد قربت و با علم به شهادت و با هدف ضربه‌زدن به دشمن، به انجام‌دادنش مبادرت ورزد و در این راه کشته شود. مشروعیت این اصطلاح که در گذشته از آن به عنوان «هجوم تک‌نفره به صف دشمنان» یاد می‌شد، به پشتوانه ادله‌ای از قرآن و سنت و اجماع و عقل، محل استناد علمای اسلامی قرار گرفته است، هرچند در سال‌های گذشته برخی متفکران سلفی اقدامات استشهادی مردم فلسطین را حرام می‌شمردند. علمای اهل سنت برای فعل استشهادی و عامل آن شرایطی برشمرده‌اند، از قبیل: اخلاص و قصد قربت و رضای الهی؛ توان جسمی و قدرت بدنی؛ وجود مصلحت برای اسلام و مسلمانان؛ احتمال قتل یا جرح دشمن و بی‌فایده‌نبودنش؛ در صورتی که این شرایط مهیا نباشد، این اقدام خودکشی به شمار می‌رود.

اقدام استشهادی در جایی که جهاد واجب شود، جایز است. علمای اهل سنت با دو شرط جهاد را جایز می‌دانند: اول، وجود کفار و مشرکان؛ دوم، اعلان جنگ و اظهار عداوت از سوی آنان. در نتیجه هیچ یک از علمای اهل سنت جهاد علیه مسلمانان را

مؤلفه‌های مشروعیت بخشی عملیات استشهدی: بررسی مقایسه‌ای آرای اهل سنت و سلفیه تکفیری / ۲۵

جایز نمی‌دانند. افزون بر اینکه بیشتر اقدامات استشهدی در مناطق تحت نفوذ مسلمانان که حکم دارالاسلام بر آن مترتب می‌شود، به وقوع می‌پیوندد که با ضوابطی که اندیشمندان اهل سنت برای ضرورت شرعیه ذکر کرده‌اند، هیچ یک از این اقدامات تحت عنوان ضرورت جای نمی‌گیرد. در نتیجه اقداماتی که گروه‌های تکفیری در کشورهای مسلمان انجام می‌دهند و مسلمانان را به بهانه‌های عقیدتی از دایره اسلام خارج می‌کنند، شرایط جهاد مشروع را ندارد و همه اقدامات استشهدی‌شان، خودکشی محسوب می‌شود و عاملش مستحق جهنم است.

پی‌نوشت‌ها

۱. وی تألیفات مستقلی درباره انتحار و ترس دارد و در کتاب‌های *المهذب فی فقه الجهاد، آداب الجهاد، آداب المجاهدین، الخلاصه فی احکام الشهید* و ... به این مسائل اشاره کرده است. برای آشنایی با وی نک: www.tafsir.net/scholar/590
۲. این اصطلاح در باب طهارت برای شیوه‌های انجام دادن غسل نیز به کار برده می‌شود (ابن تیمیه، ۱۴۱۲: ۷۶).
۳. در توضیح این مطلب باید افزود که بسیاری از اقدامات تکفیری‌ها برخاسته از اعتقادشان است که تحت تأثیر آموزه‌های مخرب وهابیت است. از دیدگاه آنها، بسیاری از اموری که مسلمانان در طول تاریخ به آن اهتمام داشته‌اند، مانند توسل به انبیا و اولیا و حاجت‌خواهی از آنان، شرک و بدعت است و مسلمانان این زمان حتی بدتر از مشرکان صدر اسلام‌اند. بنابراین، از دیدگاه تکفیری‌ها، قتل و کشتار این افراد، قتل نفس محترمه محسوب نمی‌شود و حتی اجر و پاداش دارد. برای نمونه نک: نجدی، ۱۴۱۸: ۸.

منابع

قرآن کریم.

ابراهيم الديك، محمد (١٤١٨). *المعاهدات في الشريعة الاسلامية والقانون الدولي العام*، قاهره: المكتبة الوطنية، الطبعة الثانية.

ابن تيميه، احمد بن عبد الحلیم (١٤٠٦). *منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة القدرية*، تحقيق: محمد رشاد سالم، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، الطبعة الاولى.

ابن تيميه، احمد بن عبد الحلیم (١٩٨٧/١٤٠٨). *الفتاوى الكبرى*، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى.

ابن تيميه، احمد بن عبد الحلیم (١٤١٢). *شرح العمدة في الفقه، الرياض: مكتبة العبيكان، الطبعة الأولى.*

ابن تيميه، احمد بن عبد الحلیم (١٤١٦). *مجموع الفتاوى*، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، مدينة نبوية: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.

ابن تيميه، احمد بن عبد الحلیم (٢٠٠٢/١٤٢٢). *قاعدة في الانغماس في العدو و هل يباح، بي جا: أضواء السلف، الطبعة الأولى.*

ابن تيميه، احمد بن عبد الحلیم (١٤٣٢). *جامع المسائل*، مكة: دار عالم الفوائد، الطبعة الأولى.

ابن حجر عسقلاني، احمد (١٣٧٩). *فتح الباري شرح صحيح البخاري*، بيروت: دار المعرفة.

ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد (١٩٨٣/١٣٥٧). *تحفة المحتاج في شرح المنهاج*، مصر: المكتبة التجارية الكبرى.

ابن حزم اندلسي، على بن احمد (بي تا). *المحلى بالآثار*، بيروت: دار الفكر.

ابن عابدين، محمد امين بن عمر (١٤١٢). *رد المحتار على الدر المختار*، بيروت: دار الفكر، الطبعة الثانية.

ابن عثيمين، محمد (بي تا). *اللقاء الشهري*، بي جا: بي نا.

ابن قدامة، عبد الله بن أحمد (١٣٨٨). *المعنى*، القاهرة: مكتبة القاهرة.

ابن قيم الجوزية، محمد بن ابى بكر (١٩٩٧/١٤١٨). *أحكام أهل الذمة، الدمام: رمادى للنشر، الطبعة الأولى.*

ابن قيم الجوزية، محمد بن ابى بكر (١٤٢٨). *الفروسية المحمدية*، مكة المكرمة: دار عالم الفوائد، الطبعة الأولى.

ابن مفلح مقدسي، عبد الله (١٩٩٩/١٤١٩). *الأداب الشرعية*، بيروت: الرسالة، الطبعة الثالثة.

ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤). *لسان العرب*، بيروت: دار صادر، الطبعة الثالثة.

ابن نحاس، احمد بن ابراهيم (بي تا). *مشارع الأشواق إلى مصارع العشاق و مشير الغرام إلى دار السلام*، بي جا: بي نا.

مؤلفه‌های مشروعیت بخشی عملیات استشهدی: بررسی مقایسه‌ای آرای اهل سنت و سلفیه تکفیری / ۲۷

- ابو داود سجستانی، سلیمان (بی‌تا). سنن أبی داود، بیروت: بی‌نا.
- البابرتی، محمد بن محمد (بی‌تا). العناية شرح الهدایة، بیروت: دار الفکر، الطبعة الاولى.
- البانی، محمد ناصر الدین (بی‌تا الف). تفریح سلسله الهدی والنور للشیخ الألبانی، بی‌جا: بی‌نا.
- البانی، محمد ناصر الدین (بی‌تا ب). دروس للشیخ محمد ناصر الدین الألبانی، دروس صوتیة قام بتفریغها موقع الشبكة الإسلامية.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲). صحیح بخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر، بی‌جا: دار طوق النجاة، الطبعة الاولى.
- البدر، عبد المحسن بن حمد (بی‌تا). شرح سنن أبی داود، دروس صوتیة قام بتفریغها موقع الشبكة الإسلامية.
- البغدادی، أبو حمزة (بی‌تا). الدستور؛ ملة الکفار، بی‌جا: بی‌نا.
- التکروری، نواف هایل (۱۹۹۷). العمليات الاستشهادیة فی المیزان الفقہی، دمشق: دار الفکر، الطبعة الاولى.
- حصاص، احمد بن علی (۱۹۹۴/۱۴۱۵). احکام القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
- الجودت، مسلم محمد (بی‌تا). اشکالیة العمليات الاستشهادیة، منبر التوحید والجهاد.
- جونس، سیث جی (بی‌تا). ترجمة الدراسة الشیطانیة لمؤسسة راند ... مکافحة التمرد فی أفغانستان، بی‌جا: بی‌نا.
- الجوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق: أحمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، الطبعة الرابعة.
- جیزانی، محمد بن حسین (بی‌تا). حقیقة الضرورة الشرعیة، المدینة المنورة: کلیة الشریعة بالجامعة الاسلامیة.
- چگینی، رسول (۱۳۹۷). اتحار و استشهاد، زیر نظر: مهدی فرمانیان، قم: رهپویان اندیشه.
- الحربی، أبو المنذر (بی‌تا). عون الحکیم الخبیر فی الرد علی کتاب البرهان المنیر فی دحض شبهات أهل التکفیر والتفجیر، بی‌جا: بی‌نا.
- الحسنی، محمد بن إبراهیم (بی‌تا). هدایة الساری فی حکم استهداف الطواری، بی‌جا: بی‌نا.
- الحصین، محمد بن فهد (۱۴۲۴). الفتاوی الشرعیة فی القضايا العصرية، الرياض: دار الأخیار، الطبعة الثاني.
- الحمود، سامی (بی‌تا). الاعمال الفدائیة: صورها و احکامها الفقہیة، بی‌جا: بی‌نا.
- خالدی، احمد بن حمود (بی‌تا). إنجاح حاجة السائل فی أهم المسائل، منبر التوحید والجهاد.
- دسوقی، محمد بن احمد (بی‌تا). حاشیة الدسوقی علی الشرح الکبیر، بیروت: دار الفکر.

- رشید، ابو الحسن (بی تا). *إجابة أبو الحسن رشيد على أسئلة الحسبة*، بی جا: بی نا.
- الرغيني (الخطاب)، محمد (١٣٩٨). *مواهب الجليل في شرح مختصر خليل*، بيروت: دار الفكر، الطبعة الثانية.
- رملی، محمد بن ابی عباس (١٩٨٤/١٤٠٤). *نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج*، بيروت: دار الفكر، أخيرة.
- سرخسی، محمد بن احمد (١٤١٤). *المبسوط*، بيروت: دار المعرفة.
- سرخسی، محمد بن احمد (١٩٧١). *شرح السير الكبير*، بی جا: الشركة الشرقية للإعلانات.
- شافعی، محمد بن ادريس (١٤١٠). *الأم*، بيروت: دار المعرفة.
- الشحود، علی بن نايف (٢٠١٢/١٤٣٣). *المهذب في فقه الجهاد وفضائله*، بی جا: بی نا، الطبعة الأولى.
- الشحود، علی بن نايف (بی تا). *رسالة هامة جدا للمجاهدين في العراق*، بی جا: بی نا.
- شربيني، محمد بن احمد (١٩٩٤/١٤١٥). *مغنى المحتاج إلى معرفة معانى ألفاظ المنهاج*، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى.
- صانع، أنيس؛ والآخرون (١٩٨٩). *الموسوعة الفلسطينية*، بی جا: هيئة الموسوعة الفلسطينية، الطبعة الاولى.
- طبري، محمد (١٣٨٧). *تاريخ الرسل والملوك وصلة تاريخ الطبري*، بيروت: دار التراث، الطبعة الثانية.
- الظواهرى، أيمن (بی تا الف). *ابحاث و رسائل*، بی جا: بی نا.
- الظواهرى، أيمن (بی تا ب). *تبرئة أمة القلم والسيوف من منقصة تهمة الخور والضعف*، بی جا: بی نا.
- فلسطيني، ابو الحسن (١٤٣١). *البشرى المهدية لمنقضى عمليات الاستشهادية*، بی جا: مركز الفجر للإعلام.
- قرضاوى، يوسف (بی تا الف). *الإخوان المسلمون: ردود على تساؤلات واتهامات*، بی جا: بی نا.
- قرضاوى، يوسف (بی تا ب). *القدس قضية كل مسلم*، بی جا: بی نا.
- قرطبي، محمد بن أحمد (٢٠٠٣/١٤٢٣). *الجامع لأحكام القرآن*، الرياض: دار عالم الكتب.
- كاسانى، أبو بكر بن مسعود (١٤٠٦). *بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع*، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الثانية.
- مرغيناني، علی بن ابی بكر (بی تا). *الهداية شرح بداية المبتدى*، بی جا: المكتبة الإسلامية.
- مقدسى، ابی وليد (بی تا). *أجوبة اللقاء المفتوح مع الشيخ أبى الوليد المقدسى أمير جماعة التوحيد والجهاد*.
- منبر التوحيد (بی تا). «حوار شيق مع الشيخ القائد أبى منصور»، در: *صدى الجهاد*، الجبهة الإعلامية الإسلامية العالمية.
- نجدى، محمد بن عبد الوهاب (١٤١٨). *كشف الشبهات*، المملكة العربية السعودية: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، الطبعة الأولى.

مؤلفه‌های مشروعیت بخشی عملیات استشهادی: بررسی مقایسه‌ای آرای اهل سنت و سلفیه تکفیری / ۲۹

نووی، یحیی بن شرف (۱۳۹۲). *المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الثانية.

نووی، یحیی بن شرف (۱۴۱۲). *روضة الطالبین و عمدة المفتین*، تحقیق: زهیر الشاویش، بیروت: المكتب الإسلامي، الطبعة الثالثة.

ورعی، جواد (۱۳۸۲). «مبانی فقهی عملیات شهادت طلبانه»، در: *حکومت اسلامی*، ش ۲۷، ص ۳۱۲-۳۴۷.

وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية (بی تا). *الموسوعة الفقهية الكويتية*، الكويت: دار السلاسل، الطبعة الثانية.

هیكل، محمد خیر (۱۹۹۶/۱۴۱۷). *الجهاد والقتال فی السياسة الشرعية*، بیروت: دار البیارق، الطبعة الثانية.

«صليب سرخ جهانی: تعداد قربانیان غیرنظامی ...» (۱۳۹۶/۵/۲۲). ترجمه: علی نصیری، در:

www.irna.ir/fa/News/82630532

